



مجلس علیه دیپلماسی
تذکر ۶۰ نماینده به سیدعباس عراقچی



مانور بلوک شرق
درباره رژه قدرت در پکن



رمانتیک بد اقبال
گزارشی از پنج چهره متفاوت آلبر کامو



خلف وعده سازمان سینمایی

خانه سینما از حضور در کمیته انتخاب
نماینده ایران برای اسکار کناره‌گیری کرد

یادداشت روز

ناروی تروئیکا

مکانیسم ماشه؛

از بی‌عملی اروپایی‌ها تا تهدید و هیاهو



ذبیح‌الله سعیدی

کارشناس مسائل بین‌الملل

اروپایی‌ها این روزها در یک سمفونی هماهنگ و بلکه منفعلانه و به تبعیت از سیاست دنباله‌روی آمریکا و صهیونیست‌هایشترین تلاش خود را معطوف به فعال‌سازی مکانیسم موسوم به «ماشه» یا همان «اسنپ‌یک» کرده‌اند و می‌کوشند این فرآیند را پیش از آغاز دوره ریاست روسیه بر شورای امنیت در ماه اکتبر نهایی کنند. روشن است که در این بازه زمانی از ابزارهای عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای و فشارهای سیاسی و دیپلماتیک حداکثری برای وادار کردن ایران به امتیازدهی استفاده خواهند کرد. این اقدام اروپایی‌ها بیش از آنکه دستاوردی واقعی برای آنان داشته باشد، بیشتر تلاشی است برای سرپوش گذاشتن بر شکست‌های چند ساله‌شان در مواجهه با ایران و ناتوانی‌شان در ایفای نقش مستقل در برابر فشارهای آمریکا به ویژه نقش و مسئولیتی که برنامه جامع اقدام مشترک بر عهده آنها نهاده بود. نکته نخست آن است که اروپایی‌ها عملاً هیچ‌گاه به تعهدات برجامی خود پایبند نبودند. ایران، برخلاف روایت‌های مغرضانه، حتی یک سال پس از خروج آمریکا از برجام، همچنان به تمامی تعهدات خود پایبند ماند تا فرصتی برای دیپلماسی باقی بماند. اما طرف اروپایی که مدعی دفاع از توافق هسته‌ای بود عملاً هیچ اقدامی جز وعده‌های توخالی انجام نداد و از ترس تحریم‌های ثانویه آمریکا حتی در ساده‌ترین مبادلات اقتصادی با ایران نیز قدمی برنداشت بلکه عملاً تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران که خلاف برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل بود را نیز اجرا کردند. این عدم پایبندی آشکار به تعهدات، امروز به‌گونه‌ای وارونه بازتابی می‌شود و همان‌ها که تعهدات خود را زیر پا گذاشتند، در موضع طلبکارانه ظاهر شده‌اند و می‌خواهند ایران را مقصر معرفی کنند.

تکنه دوم آن است که تحریم‌هایی که سخن از «بازگشت» آنها می‌شود، در حقیقت هیچ‌گاه لغو نشده بودند. اگرچه روی کاغذ و در بیانیه‌ها رفع تحریم‌ها ذکر شد اما در عمل ایران همواره با شبکه پیچیده‌ای از محدودیت‌های مالی، بانکی و نفتی مواجه بود. حتی سازوکارهایی که اروپایی‌ها برای تسهیل تجارت با ایران وعده دادند (نظیر اینستکس) عملاً بی‌اثر و بی‌خاصیت باقی ماند. بنابراین تهدید به بازگشت تحریم‌ها بیشتر یک نمایش سیاسی است تا واقعیت جدید.

سوم آنکه ایران تجربه طولانی و موفق‌تری در خنثی‌سازی آثار تحریم‌ها دارد. در سال‌های اخیر، نتنها توانسته بخش مهمی از نیازهای راهبردی خود را در داخل تولید کند بلکه مسیرهای جایگزین برای تجارت و تأمین مالی را نیز ایجاد کرده است. امروز توانمندی ایران در مقابله با فشار اقتصادی به مراتب بیشتر از گذشته است و همین امر، حربه تحریم را تا حد زیادی بی‌اثر کرده است.

چهارم باید توجه داشت که بدترین سناریویی که ممکن است علیه ایران طراحی شود، جنگ است. اما این گزینه نیز در گذشته بدون فعال‌سازی مکانیسم ماشه و حتی در جریان مذاکرات هسته‌ای بر ایران تحمیل شد. در واقع تهدید به جنگ همواره وجود داشته و اگر دشمنان ایران اراده‌ای برای چنین حماقتی داشته باشند، نیازی به پوشش حقوقی و سیاسی از طریق شورای امنیت نخواهند داشت. بنابراین اسنپ‌یک نه سپری برای امنیت غرب است و نه تهدیدی تازه علیه ایران. آنچه امروز بیش از هر چیز باید برای مردم و نخبگان تبیین شود، این حقیقت است که فعال‌سازی مکانیسم ماشه چیزی جز یک جنگ روانی و تبلیغاتی نیست. اروپایی‌ها که سال‌ها از ایفای تعهدات خود شانه خالی کردند، اکنون در موضعی وارونه و غیرمنطقی، می‌خواهند ایران را به انفعال و امتیازدهی وادارند. اما واقعیت این است که ایران با تکیه بر تجربه سال‌های گذشته، هم توان مقابله با فشار اقتصادی را دارد و هم راه‌های متنوعی برای بی‌اثر کردن این اقدامات پیدا کرده است. از این رو آنچه به نام «بازگشت تحریم‌ها» مطرح می‌شود، بیشتر یک بازی سیاسی برای حفظ چهره متزلزل اروپا و جبران شکست‌های دیپلماتیک آنهاست تا تهدیدی واقعی برای آینده ایران.

آزادی محال

بهانه‌تراشی‌های شهرداری تهران در سایه غفلت وزارت ارشاد
کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی را لغو کرد

سازندگی به بررسی علل و پیامدهای
عدم برگزاری اولین کنسرت خیابانی در ایران پرداخته است



فائزه مومنی

گروه اجتماعی



سه روز مانده به برگزاری کنسرت رایگان همایون شجریان در میدان آزادی، این کنسرت با بهانه‌تراشی‌های شهرداری و غفلت وزارت ارشاد لغو شد. شجریان در اینستاگرام خود اعلام کرد که تجهیزات گروه او دو روز است که اجازه ورود به برج آزادی را پیدا نمی‌کنند و «از آنچه حدس می‌زد، همان شد»؛ او نوشت برنامه‌ریزی‌هایی که باید قبل از صدور مجوز انجام می‌شد، در آخرین روزها انجام شده و به‌نظر می‌رسد، توان مدیریت جمعیت وجود ندارد. بنابراین «این اجرا انجام نخواهد گرفت». همچنین در ادامه توئیتش از همه کسانی که برای تحقق این «آزوی محال» او زحمت بسیار کشیدند تشکر کرد. شهرداری تهران و برخی مسئولان دولتی مدعی شدند که کنسرت لغو نشده بلکه تنها محل برگزاری به ورزشگاه آزادی منتقل شده است. همچنین تصاویر جوش دادن درهای ورودی برج آزادی توسط مأموران شهرداری - که روزنامه‌نگار بهمن بابازاده منتشر کرد - موجی از اعتراض و انتقاد را به‌وجود آورد. همایون شجریان، فرزند استاد محمدرضا شجریان، چند روز پیش با برگزاری یک نشست خبری و انتشار ویدئوهایی در فضای مجازی اعلام کرد که قصد دارد یک کنسرت رایگان و خیابانی در میدان آزادی تهران برگزار کند. این رویداد که قرار بود، شامگاه جمعه ۱۴ شهریور برگزار شود، علاوه بر جنبه هنری و خاطره‌انگیز، به‌عنوان تجربه‌ای جمعی برای بازتولید شادی و امید و نیز همدلی مردم ایران اهمیت بسیار داشت.

ادامه در صفحه ۷

گزارش

اصلاح ساختار بودجه

آیا گام مجلس همسو با مطالبه رئیس‌جمهور برای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد است؟

گروه سیاسی: نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز گذشته خود با رأی قاطع با اصلاح کل ماده واحده طرح اصلاح ماده ۱۸۰ و ۱۸۲ آیین‌نامه داخلی مجلس مبنی بر تغییر فرآیند بررسی لایحه بودجه موافقت کردند. بر اساس متن اصلاحی، دولت مکلف است لایحه بودجه را به صورت برنامه‌محور و در قالب جداول کلان و تفصیلی تا اول دی هر سال به مجلس تقدیم کند. در این جداول باید استناد قانونی، موضوع، ردیف و ارقام دقیق ذکر شود و هیچ حکم یا توضیح اضاف‌ه‌ای خارج از برنامه ۵ ساله و قوانین دائمی نباید درج شود.

محسن زنگنه، سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه در تشریح این طرح گفت: «یکی از مهم‌ترین اصلاحات، تغییر زمان ارائه لایحه بودجه از اول آبان به اول دی است. در زمان آبان، بسیاری از گزارش‌های اقتصادی هنوز واقعی و به‌روز نیستند و همین امر باعث فاصله میان بودجه تصویبی و واقعیت‌های اقتصادی سال بعد می‌شود». او توضیح داد: «این اصلاحات قدرت نظارتی مجلس را افزایش داده و مانع از آن می‌شود که دولت با استفاده از تبصره‌های بودجه‌ای قوانین دائمی را تغییر دهد یا دور بزند. همچنین همه ردیف‌ها باید براساس قوانین بالادستی و برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی و درج شوند».

تصویب کلیات این طرح با موافقت و مخالفت‌های متعددی همراه بود. موافقان بر این باورند که یکپارچه‌سازی بودجه موجب شفافیت بیشتر، افزایش قدرت نظارتی مجلس و جلوگیری از اتلاف وقت می‌شود. مخالفان اما نگران کاهش نقش نمایندگان در کمیسیون تلفیق و محدود شدن قدرت آنان در بررسی جزئیات هستند. محمدرضا احمدی‌سنگر به عنوان مخالف طرح، این تغییر را عاملی برای کم‌رنگ شدن حضور نمایندگان در فرآیند تلفیق دانست. حسین صمصامی نیز هشدار داد که «بودجه‌نویسی باید بر اساس مطالعات دقیق و علمی باشد نه آزمون و خطا». هادی قوامی، نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه، تصویب این طرح را نقطه عطفی در اصلاح ساختار بودجه دانست. او گفت: «با این تصمیم، از لایحه بودجه ۱۴۰۵ به بعد شاهد بررسی دقیق جداول و ارقام خواهیم بود. مجلس از این پس می‌تواند، واقع‌بینانه‌تر درباره پیش‌بینی‌های درآمد و هزینه قضاوت کند و جلوی استفاده از منابع غیرواقعی را بگیرد».

رئیس‌جمهور، چندی پیش تأکید کرده بود که «نظام پرداخت بر اساس عملکرد و اثربخشی» باید یکی از محورهای اصلی بودجه‌ریزی ۱۴۰۵ باشد. او همچنین با انتقاد از شیوه فعلی بودجه‌ریزی گفته بود: «تا دلت بخواهد مؤسسات و بنیادهای داریم که هیچ بروندادی ندارند و پول به اینها می‌دهیم؛ خب چرا باید به اینها پول بدهیم در حالی که معیشت مردم را نمی‌توانیم تأمین کنیم؟» از این منظر، اصلاح فرآیند بررسی بودجه در مجلس می‌تواند، گامی در راستای تحقق همین مطالبه باشد. چراکه یکپارچه‌سازی جداول و الزام دولت به ارائه برنامه‌محور بودجه، امکان شفاف‌تر شدن تخصیص‌ها و تمرکز بر دستگاه‌های اثربخش را فراهم می‌کند. همچنین مجلس فرصت بیشتری برای بررسی دقیق جداول خواهد داشت و تمرکز بر تبصره‌های غیربودجه‌ای کنار گذاشته می‌شود. این اصلاحات باعث می‌شود از منابع غیرواقعی و کسری‌های پنهان در بودجه جلوگیری شود.

در صورت تداوم همکاری دولت و مجلس، این اصلاح می‌تواند به حذف یا کاهش بودجه‌نهاد‌های کم‌بازده کمک کرده و منابع بیشتری را به سمت معیشت و رفاه مردم هدایت کند. البته کارشناسان معتقدند که تحقق کامل این هدف تنها با تغییر آیین‌نامه ممکن نیست بلکه نیازمند، عزم مشترک دولت و مجلس برای اجرای واقعی «بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد» است.



مجلس علیه دیپلماسی

۶۰ نماینده به وزیر امور خارجه درباره لزوم خروج از NPT و عدم شرکت در مذاکرات تذکر دادند



ایران از معاهده NPT ش‌وند و بر لزوم عدم شرکت در مذاکرات با درخواست آمریکا و مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید کردند. این اقدام نشان می‌دهد، بخشی از مجلس نه تنها مذاکرات را بی‌فایده می‌داند بلکه ادامه حضور ایران در چارچوب‌های بین‌المللی موجود را نیز زیر سؤال می‌برد. انتشار چنین تذکری نشان می‌دهد که مسیر دیپلماسی کنونی با مخالفت جدی بخشی از مجلس روبه‌رو است. موضعی که گرچه ممکن است از منظر سیاسی تا حدودی قابل توجیه باشد اما می‌تواند، ظرفیت‌های دیپلماتیک کشور را محدود کند و فضای سیاسی داخلی را به سمت تقابل و فشار بیشتر ببرد.

مذاکره؛ نه معجزه، نه بی‌اثر

تحولات اخیر، حملات تندروها به عملکرد دولت و رئیس‌جمهور را شدت بخشیده است. اما این جریان، اغلب این مهم را نادیده می‌گیرند که تصمیم‌گیری درباره مذاکره با آمریکا فقط در حیطه اختیارات دولت نیست و تمام ارکان نظام با هم در مورد آن تصمیم می‌گیرند. آنچه مسلم است، مذاکره قرار نیست تمامی مشکلات کشور را حل کند اما می‌تواند بخشی از تحریم‌ها و فشارها را کاهش دهد و ایران را از حالت انزوای سیاسی خارج کند. اما جایگزین مذاکره چیست؟ این پرسش به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری داخلی و خارجی کشور، پیش روی تصمیم‌گیران قرار دارد و همزمان بر لزوم مدیریت هوشمندانه و حفظ هماهنگی درون نظام تأکید می‌کند، در حالی که بسیاری از این منتقدان هنوز پاسخ روشن و قانع‌کننده‌ای برای آن ندارند.

اقتدار ملی در کنار انعطاف دیپلماتیک

با وجود این انتقادات اما نگاه تصمیم‌گیران ارشد کشور بر تعطیلی دیپلماسی تأکید ندارد. دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی اخیراً با بیان اینکه نباید کار دیپلماتیک را تعطیل کرد و باید با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی گفت‌وگو کرد و ارتباطات قوی داشت، تأکید کرده که «اصل مذاکره حتی به صورت غیرمستقیم با آمریکا پس از جنگ مورد تأیید رهبری بوده است». او در عین حال پرسیده که «در مواجهه با این دنیای پیچیده و متخاصم، چه

انزاری در دست داریم و چه کاری باید انجام دهیم؟» این سخنان نشان می‌دهد که اگرچه بخشی از مجلس نسبت به مذاکرات تصمیم‌گیری‌های پشت درهای بسته نگاه انتقادی دارد اما در سطح کلان کشور بر لزوم دیپلماسی فعال در کنار آمادگی داخلی تأکید می‌شود، رویکردی که تلاش می‌کند میان صیانت از ظرفیت‌های داخلی و بهره‌گیری از فرصت‌های دیپلماتیک توازن ایجاد کند.

راه مذاکره بسته نیست

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز روز گذشته در تازه‌ترین موضع‌گیری خود، در پیامی به زبان انگلیسی در شبکه ایکس تأکید کرد که «راه مذاکره با ایالات متحده بسته نیست» اما همزمان هشدار داده که واشنگتن با طرح «موضوعات غیرواقع‌بینانه» مانند محدود کردن توان موشکی ایران عملاً مسیر هرگونه گفت‌وگو را می‌بندد. این سخنان نشان می‌دهد که در کنار انتقادات تند برخی از نمایندگان مجلس، دولت و نهادهای اصلی کشور در تلاشند مسیر دیپلماسی را با حفظ اقتدار داخلی ادامه دهند. در واقع آنچه امروز در صحنه سیاست ایران مشاهده می‌شود، نوعی تلاش برای برقراری تعادل میان رویکرد تقابلی و تعاملی است به این معنا که دولت نمی‌خواهد در برابر فشارهای خارجی و اختلافات داخلی به سمت تصمیمات شتابزده حرکت کند اما همزمان ناچار است، پاسخگوی مطالبات سیاسی جریان‌های تندرو در مجلس نیز باشد. از سوی دیگر، نهادهای امنیتی و سیاست‌گذاران کلان به‌خوبی می‌دانند که هرگونه بی‌ثباتی در فضای داخلی می‌تواند پیامدهای جدی در حوزه دیپلماسی به‌همراه داشته باشد. به همین دلیل، اتخاذ سیاستی که همزمان بر اقتدار ملی و انعطاف دیپلماتیک تکیه داشته باشد به‌عنوان یک استراتژی ضروری مطرح است. با این حال اختلاف برداشت‌ها میان نهادهای تصمیم‌گیر می‌تواند، روند رسیدن به اجماع را کندتر کند. در این شرایط، مهم‌ترین چالش کشور، حفظ انسجام داخلی و مدیریت هوشمندانه فشارهای بیرونی است، مسیری که نیازمند هماهنگی بیشتر میان نهادها و پرهیز از تصمیمات احساسی و مقطعی خواهد بود.

و غرب شناخته می‌شود نیز با عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای، ارزش راهبردی بیشتری یافته است. این موقعیت می‌تواند ایران را به محور ترازیت انرژی، کالا و سرمایه در منطقه تبدیل کند؛ ظرفیتی که در صورت بهره‌برداری درست به تقویت جایگاه بین‌المللی کشور منجر خواهد شد.

از سوی دیگر، دیدارهای حاشیه‌ای اجلاس نیز به همان اندازه اهمیت داشتند. گفت‌وگوهای رئیس‌جمهور ایران با رهبران چین، روسیه، هند و پاکستان، نشان‌دهنده تلاش تهران برای ایجاد هماهنگی‌های سیاسی گسترده‌تر و یافتن راهکارهایی جهت تقویت روابط تجاری و امنیتی است. این تعاملات می‌تواند، پایه‌ای برای همکاری‌های بلندمدت و مؤثر در سطح منطقه و جهان باشد. بیانه پایانی اجلاس نیز بار دیگر بر ضرورت همکاری برای حفظ امنیت و ثبات منطقه تأکید کرد؛ نکته‌ای که برای ایران به معنای داشتن نقشی فعال در مدیریت بحران‌ها و کاهش تنش‌های منطقه‌ای است. در مجموع، اجلاس اخیر شانگهای نه تنها فرصتی برای تثبیت جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی بود بلکه می‌تواند سرآغاز مرحله‌ای تازه در روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور با شرق باشد. بهره‌گیری هوشمندانه از این فرصت استراتژیک می‌تواند به تقویت استقلال، کاهش فشارهای خارجی و افزایش نفوذ ایران در صحنه بین‌المللی بینجامد.

فرصت استراتژیک

اجلاس شانگهای؛ مجالی برای تقویت جایگاه جهانی ایران



عاطفه شمس

گروه سیاسی

سازمان همکاری شانگهای امروز به یکی از مهم‌ترین بسترهای همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در آسیا تبدیل شده است. حضور قدرت‌هایی چون چین، روسیه و هند در این سازمان، جایگاه آن را فراتر از یک پیمان منطقه‌ای برده و آن را به نهادی تأثیرگذار در تحولات جهانی بدل کرده است. عضویت دائم ایران در این سازمان نیز نه تنها به معنای شکسته شدن بخشی از انزوای تحمیلی غرب است بلکه فرصت‌های تازه‌ای برای گسترش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در اختیار کشور قرار می‌دهد. اجلاس اخیر این سازمان با توجه به تحولات امنیتی منطقه و در شرایط پس از جنگ ۱۲ روزه، اهمیتی دوچندان برای ایران

مانور بلوک شرق

رژه قدرت در پکن
به منزله اتحاد نمادین
علیه نظم جهانی غربی است

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



موشک‌ها، جت‌های جنگنده و سایر سخت‌افزار نظامی چین در یک رژه بزرگ به نمایش گذاشته شدند. در مراسم رژه نظامی بزرگی که روز چهارشنبه ۱۲ شهریور در میدان تیان‌آن‌من پکن برگزار شد، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و کیم جونگ اون رهبر کره شمالی در کنار شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین حضور داشتند. این رویداد به مناسبت هشتادمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم برگزار شد. شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین در سخنرانی خود در این مراسم گفت که جهان هنوز «با انتخاب صلح یا جنگ» روبه‌رو است. او افزود که چین «بمهارنشدنی» است. تحلیلگران غربی نیز این گردهمایی را نشانه‌ای از همکاری کشورهای تحت تحریم و چالشی آشکار برای نظم جهانی تحت رهبری آمریکا ارزیابی کرده‌اند. انتشار عکسی از رهبران چین، روسیه و کره شمالی نیز مورد توجه رسانه‌های غربی قرار گرفت. گاردین نوشت: هنوز مشخص نیست که عکس خاص، چقدر در عمل هم

دیپلماسی

افق تیره و تار؟

بررسی بن‌بست پسا‌جنگ در روابط ایران و آمریکا

گروه بین‌الملل: با گذشت دو ماه از شعله‌ور شدن «جنگ ۱۲ روزه» و فروکش کردن آتش آن و در شرایطی که فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» سایه سنگین خود را بر آینده دیپلماسی انداخته است، افق روابط ایران و آمریکا تیره‌تر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد. در این فضای آکنده از بی‌اعتمادی، هرگونه ابتکار عملی برای بازگشت به میز مذاکره به محاق رفته و جای خود را به لفاظی‌ها و مانورهای سیاسی داده است. این گزارش به واکاوی دلایل بن‌بست کنونی و نبود چشم‌انداز مثبت برای هرگونه گفت‌وگوی سازنده می‌پردازد.

رخوت دیپلماتیک و فشار از داخل

در روزهای اخیر، اظهارات پراکنده‌ای از سوی برخی چهره‌های سیاسی و دیپلماتیک ایران مبنی بر احتمال مذاکره با آمریکا به گوش می‌رسد اما این اظهارات بیشتر به «صدای در سکوت» می‌مانند تا نوید یک گشایش. فضای سیاسی داخلی ایران پس از جنگ اخیر به شدت تحت تأثیر احساسات عمومی و فشارهای جناحی قرار گرفته است. در چنین شرایطی هر گونه نرمش دیپلماتیک می‌تواند به عنوان عقب‌نشینی از مواضع ملی تعبیر شود و همین امر دست دولت را برای هرگونه اقدام شجاعانه در زمینه مذاکرات بسته است.

از سوی دیگر، مشکلات اقتصادی داخلی نیز به پیچیدگی شرایط می‌افزاید. ناترازی شدید انرژی، تورم لجام‌گسیخته و نوسانات سرسام‌آور در بازار طلا و ارز، فشار مضاعفی بر دولت وارد می‌کند. در حالی که مردم هر روز با بحران‌های معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند، دیپلماسی در حوزه‌های کلان و بین‌المللی با نوعی رخوت و انجماد روبه‌رو شده است.

این وضعیت، این باور را تقویت می‌کند که دولت در حال حاضر اولویت خود را بر مدیریت بحران‌های داخلی قرار داده و مذاکره با آمریکا را در دستور کار فوری خود نمی‌داند.

معنا پیدا کند اما رهبران پایتخت‌ها در واشنگتن، لندن، توکیو و سئول باید حتماً با احساسی آمیخته از کنجکاوی و نگرانی نظاره‌گر آن باشند. گاردین در تحلیل خود این عکس را نتیجه تغییر در ژئوپلیتیک جهانی دانست و نوشت: بسیاری از ناظران این تغییر را ترسیم دوباره موازنه جهانی قدرت خوانده‌اند. در حالی که شی و پوتین شراکت «نامحدودی» را اعلام کرده‌اند، تحلیلگران معتقدند پکن از تداوم جنگ روسیه در اوکراین و حمایت مستقیم کره شمالی از آن برآشفته است. شی تلاش می‌کند، توازنی در اتحاد خود با دو کشور برقرار کند و در عین حال از تحریم‌های بیشتر آمریکا و دیگر متحدان اوکراین در امان بماند. همزمان با برگزاری رژه، دونالد ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» پیام‌هایی منتشر کرد و ضمن تبریک تلخ به شی به مناسبت سالگرد جنگ جهانی دوم پرسید، آیا او به «خون و حمایت عظیم» آمریکا در آزادسازی چین از اشغال ژاپن اشاره خواهد کرد یا نه؟ سیدجلال ساداتیان، کارشناس

مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با روزنامه سازندگی در مورد این مراسم و اهمیت بازتاب آن در رسانه‌های غرب گفت: این مراسم می‌تواند برای چین به نوعی پیروزی در مقابل امپریالیسم باشد که آن را بزرگ و گرامی می‌دارد. حضور مهمانان و سران کشورهای مختلف نیز در این مراسم حائز اهمیت است که کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای را نیز تشکیل می‌دهد که ایران نیز یکی از کشورهای شرکت‌کننده محسوب می‌شود. حضور ایران در این مراسم معنای خاصی می‌دهد که می‌توان آن را به معنای حمایت چین از ایران تعبیر کرد. البته حمایتی غیرمستقیم که با دعوت از ایران صورت می‌پذیرد و این بدان معنا نیست که چینی‌ها در هر شرایطی کنار ایران خواهند ایستاد و با آمریکا، اسرائیل و یا کشورهای غربی مقابله خواهند کرد. حرکت فعلی چین را می‌توان یک اقدام سمبلیک توصیف کرد. به طور خلاصه می‌توان گفت که مراسم رژه در چین حاوی چند پیام است. اینکه به حاکمیت برابر کشورها احترام

است. این تجربه به تهران نشان داد که توافق با واشنگتن، حتی با وجود تأیید جامعه بین‌المللی فاقد هرگونه ضمانت اجرایی است و می‌تواند به سادگی توسط دولت بعدی آمریکا نقض شود. تحولات اخیر و حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل در جریان جنگ اخیر نیز بر بی‌اعتمادی ایران افزود. تهران این حمایت را نشانه‌ای از عدم تغییر رویکرد خصمانه واشنگتن می‌داند.

در نتیجه، ایران به صورت فزاینده‌ای بر سیاست نگاه به شرق و همکاری با قدرت‌هایی چون روسیه و چین متمرکز شده است. این چرخش نه تنها یک استراتژی اقتصادی برای کاهش اثرات تحریم‌هاست بلکه تلاشی برای ایجاد یک موازنه قدرت در برابر فشار غرب نیز محسوب می‌شود. افزایش سطح همکاری‌های نظامی و اقتصادی با این دو کشور، پیامی آشکار به غرب است که ایران دیگر تنها به دروازه‌های دیپلماسی غربی چشم ندوخته است. این رویکرد، در عمل، فاصله ایران از غرب را عمیق‌تر و چشم‌انداز هرگونه مذاکره‌ای را مبهم‌تر می‌کند.

شکاف‌های غیر قابل ترمیم؛ بن‌بست مطلق

واقعیت آن است که مواضع دو طرف امروز بیش از هر زمان دیگری از یکدیگر فاصله گرفته‌اند. ایالات متحده مذاکره را در چارچوب محدود‌سازی توان هسته‌ای، منطقه‌ای و دفاعی ایران تعریف می‌کند، در حالی که تهران این شروط را «خط قرمز» امنیت ملی خود می‌داند. فعال‌سازی مکانیسم ماشه نیز نه تنها راهی برای بازگشت به میز مذاکره نگشود بلکه با تشدید تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، پل‌های پشت سر را نیز ویران کرد. در شرایط کنونی، هیچ یک از طرفین تمایلی به عقب‌نشینی نشان نمی‌دهند و حتی کوچک‌ترین نشانه‌ای از انعطاف‌پذیری دیده نمی‌شود. این بن‌بست مطلق، نتیجه مستقیم افزایش بی‌اعتمادی، نبردهای روایتی و شکاف‌های عمیق در منافع است. با توجه به این شرایط، می‌توان با قاطعیت گفت که مذاکرات احتمالی ایران و آمریکا، نه در آینده نزدیک و نه حتی در چشم‌انداز میان‌مدت، شانسی برای موفقیت نخواهند داشت. در نهایت، افق دیپلماسی میان تهران و واشنگتن پس از جنگ ۱۲ روزه و تحولات اخیر، تیره و تار به نظر می‌رسد و علی‌الظاهر هیچ روزه امید برای تغییر این شرایط در آینده نزدیک قابل تصور نیست.



گذاشته شود و چندجانبه‌گرایی مورد توجه قرار گیرد و کشورها در راستای توسعه هر چه بیشتر با یکدیگر همکاری کنند. در موضوع توسعه بازرگانی نیز ایران یکی از کشورهای مورد توجه چین محسوب می‌شود. این کارشناس مسائل بین‌الملل در ادامه گفت‌وگو درباره افزایش همکاری‌های نظامی تهران و پکن پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل نیز گفت: دست چین برای کمک‌های نظامی به ایران بسته نیست و در این مسیر پکن هیچ محدودیتی برای خود قائل نیست. تحریم‌های فعلی ایران بیشتر تحریم‌هایی است که توسط ایالات متحده آمریکا اعمال شده و به سازمان ملل و شورای امنیت مرتبط نیست. البته ناگفته نماند با فعال‌سازی مکانیسم ماشه باید دید که چین در این روند چه نوع سیاستی را اتخاذ خواهد کرد. بعید نیست که چین درصدد افزایش همکاری‌های نظامی با ایران باشد و دفاع هوایی ایران را تقویت کند و جنگنده‌هایی چون جی ۲۰، جی ۳۵ و جی ۱۰ را در اختیار ایران قرار دهد.

آمریکای لاتین

حمله به ونزوئلا تازه آغاز راه است

روایت ترامپ از عملیات ضد قاچاق

وزیر دفاع آمریکا سه‌شنبه ویدئویی منتشر کرد از آنچه ترامپ، یک «حمله حرکتی» توصیف کرده بود؛ حمله‌ای که ادعا می‌شود ۱۱ عضو باند فراملی «ترن د آراگوا» را در یک «کشتی مواد مخدر» در دریای کارائیب از بین برد. در همین رابطه وزیر دفاع آمریکا می‌گوید، حمله به ونزوئلا «پایان ماجرا نخواهد بود بلکه تازه آغاز راه است». او با اشاره به رئیس‌جمهور ونزوئلا افزود: «مادورو باید تصمیماتی بگیرد». او می‌گوید حمله به ونزوئلا «پایان ماجرا نخواهد بود بلکه تازه آغاز راه است». وزیر دفاع آمریکا همچنین به فاکس نیوز گفت: «ترامپ با هدف قرار دادن یک کشتی در نزدیکی ونزوئلا پیامی روشن به قاچاقچیان مواد مخدر فرستاد». ترامپ این حمله نظامی آمریکا را در پیامی در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» خود اعلام کرد. هگست هم دوباره پیام ترامپ درباره این حمله را منتشر کرد و یک ویدئوی ۲۹ ثانیه‌ای «غیرطبقه‌بندی شده» از حمله ادعایی را ضمیمه آن کرد. این ویدئو تصویری سیاه‌وسفید از حرکت قایق در دریا را از چند زاویه مختلف نشان می‌دهد. ویدئو نشان می‌دهد که قایق در ۲۰ ثانیه نخست بدون مزاحمت به حرکت ادامه می‌دهد اما ناگهان نوری درخشان ظاهر می‌شود و طی ۹ ثانیه قایق آتش می‌گیرد. ترامپ در پیامی گفت: «امروز صبح به دستور من، نیروهای نظامی آمریکا یک حمله کینیک (حرکتی- فیزیکی) علیه نارکو‌ترویست‌های شناسایی شده، گروه ترن دارآگوا در حوزه مسئولیت فرماندهی جنوبی انجام دادند». او با طرح اتهاماتی علیه کاراکاس افزود: «گروه ترن دارآگوا یک سازمان تروریستی خارجی شناخته شده است که تحت کنترل مادورو فعالیت می‌کند و مسئول قتل عام، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و اقدامات خشونت‌بار و تروریستی در سراسر ایالات متحده و نیمکره غربی است». این حمله در حالی رخ داد که قایق در آب‌های بین‌المللی بود و به ادعای ترامپ، محموله‌ای از مواد مخدر «غیرقانونی» را حمل می‌کرد. به گفته رئیس‌جمهور آمریکا این کشتی از ونزوئلا حرکت کرده و در مسیر ایالات متحده بود. ترامپ هشدار داد: «لطفاً این را به عنوان هشدار برای هر کسی که حتی فکر قاچاق مواد مخدر به آمریکا را در سر دارد در نظر بگیرید. مراقب باشید!»

ادبیات جهان

خوش‌بینی شرط نویسندگی

مارگارت اتوود در گفت‌وگو با استیون مارشه عنوان کرد



استیون مارشه، نویسنده و روزنامه‌نگار کانادایی در تازه‌ترین قسمت پادکست خود با عنوان *Gloves Off* که به بررسی تهدیدهای ایالات متحده علیه حاکمیت کانادا می‌پردازد، میزبان مارگارت اتوود، نویسنده سرشناس کانادایی و خالقِ رمان «سرگذشت ندیمه» بوده است.

مارگارت اتوود یکی از تحسین‌شده‌ترین نویسندگان عصر حاضر از آن دست هنرمندانی است که می‌توان نام «همه فن حریف» را بر روی‌شان گذاشت. او بیش از ۴۰ رمان، داستان کوتاه، داستان کودک و کتاب‌های غیرادبی منتشر کرده و از رمان‌های او که به فارسی منتشر شده می‌توان «سرگذشت ندیمه»، «عروس فریبکار»، «گریس دیگر»، «آدمکش کور»، «اوریکس و کریک» و «جشم گربه» را نام برد. آثار اتوود ریشه در رئالیسم سنتی دارند و در نوشته‌هایش از زن به‌عنوان شخصیت اصلی استفاده می‌کند. اتوود در داستان‌هایش، واقعیت‌های اجتماعی را با تخیل و اسطوره‌شناسی و طنز همراه می‌کند. «سرگذشت ندیمه» از آثار بسیار مطرح اتوود است که با وجود انتقادهای فراوان در سال ۱۹۸۵ منتشر شد. این رمان که در سال ۱۹۸۷ موفق به دریافت اولین جایزه آرتور سی. کلارک شد، شرح آمریکایی در زمان آینده است (سرگذشت ندیمه در سال ۲۰۰۵ روایت می‌شود، یعنی در آینده‌ای ۲۰ ساله نسبت به زمان انتشار کتاب) که در آن زن‌ها نه تنها قدرتی برای تعیین سرنوشت خود ندارند بلکه از داشتن کم‌ترین حقوق انسانی و مادی خود نیز بی‌بهره هستند. دنیایی که در آن زنان تنها بر اساس وضعیت تأهل و باروری خود ارزش‌گذاری می‌شوند؛ به‌عبارت دیگر در این داستان، زن‌ها بردهایی ناچیز در دست مردان محسوب می‌شوند. شخصیت اصلی این داستان یک ندیمه به نام «آفرد» است که برای فرزندآوری مقام عالی‌رتبه‌ای در دولت که همسرش نازاست، گماشته شده و یکی از دارایی‌های او به حساب می‌آید.

اتوود در طول زندگی حرفه‌ای‌اش بیش از ۵۵ جایزه ملی و بین‌المللی کسب کرده است و درجات افتخاری متعددی از دانشگاه‌های مختلفی همچون دانشگاه آکسفورد، سوربن و کلمبیا دریافت کرده است. او پنج بار برای جایزه بوکر نامزد شده که از این میان یک بار برنده آن بوده است؛ هم‌چنین بارها در مرحله پایانی جایزه فرماندار کل کانادا (Governor General) حضور داشته و دو بار آن را به‌دست آورده است. نامش در سال ۲۰۰۱ در میان ستاره‌داران پیاده‌راه مشاهیر کانادا قرار گرفت. او هم‌چنین یکی از بنیان‌گذاران بنیاد نویسندگان کاناداست؛ سازمانی غیرانتفاعی که برای تقویت جامعه نویسندگان کانادا می‌کوشد.

دیدار با چهره‌ای افسانه‌ای

استیون مارشه در روایت خود می‌نویسد، گفت‌وگو با اتوود برای یک نویسنده کانادایی شبیه دیدار با چهره‌ای افسانه‌ای است. او در توضیح این تجربه آورده است: «همان‌طور که اگر نویسنده‌ای آمریکایی می‌توانست با مارک تواین گفت‌وگو کند یا شاعری فرانسوی با بودلر.» به گفته مارشه، کانادا هنوز کشوری جوان است و دیدار با چهره‌ای همچون اتوود به معنای گفت‌وگو با مهم‌ترین نماد ادبیات ملی است.

این گفت‌وگو به دلیل مشغله‌های شخصی اتوود در خانه مارشه انجام شد. او از اضطراب و نگرانی خود پیش از دیدار با این نویسندهٔ بزرگ سخن گفته و اعتراف کرده، آثار و نام اتوود آن‌قدر در ذهنش حضور داشته که حضور او را بیش از

هر نام تجاری جهانی، حتی کوکاکولا، تجربه کرده است. مارشه نوشته، اتوود برای او هرگز یک قهرمان شخصی نبوده بلکه نماد نهاد ادبی کاناداست؛ نهادی که خود او به‌عنوان نویسنده کمتر در آن پذیرفته شده است. با این حال، قدرت آثار اتوود از جمله «یادداشت‌های سوزانا مودی»، «جشم گربه» و «سرگذشت ندیمه» انکارناپذیر است. او هم‌چنین به نخستین دیدارشان در مراسم جایزه گی‌لر اشاره کرده و اتوود را نویسنده‌ای شوخ‌طبع و صریح دانسته است.

نویسندهٔ ماجراجو

مارشه خاطره‌ای را بازگو می‌کند که در کتاب «درباره نوشتن و شکست» خود آورده بود: «دوستی نویسنده در دیداری با اتوود برای معرفی خود به یادداشتی در نیویورک‌تایمز درباره او‌رهان پاموک اشاره می‌کند و اتوود بی‌درنگ و با حالتی دفاعی پاسخ می‌دهد، او نیز برای این روزنامه نوشته است.» این خاطره برای نویسندگان جوان آن نسل نشانه‌ای بود که همه در برابر اتوود احساس «ماجراجو بودن» می‌کردند. مارشه توضیح می‌دهد بعدها دریافت اتوود نیز خود را ماجراجو می‌داند؛ همان‌طور که هر نویسنده‌ای ذاتاً ماجراجو است.

همیشه خوش‌بین

در بخش اصلی گفت‌وگو، اتوود دربارهٔ خوش‌بینی‌اش سخن گفته و تأکید کرده: «من همیشه خوش‌بین هستم. برای نویسنده بودن باید خوش‌بین باشید. همیشه این پرسش‌ها وجود دارد: آیا این کتاب را تمام می‌کنم؟ خوب خواهد شد؟ کسی آن را می‌خرد یا می‌خواند؟ نقد بد دریافت می‌کنم؟ این‌ها اضطراب نیستند، بدیهیات نوشتن‌اند.»

به اعتقاد مارشه این نگاه اتوود، او را از فضای رسمی ادبی کانادا متمایز می‌کند چراکه نهادهای ادبی کانادا پیش از هر چیز درگیر ملاحظات اخلاقی و سیاسی‌اند و هر جمله‌ای باید با معیارهای «درست‌نمایی سیاسی» سنجیده شود. اما اتوود برخلاف جریان بدون ملاحظه دیدگاه خود را بیان می‌کند. او در ادامه به ماجرای استیون گالووی، نویسنده‌ای که در اوج جنبش «می‌تو» با اتهاماتی مواجه شد، اشاره می‌کند. در حالی‌که بسیاری از چهره‌های ادبی همراه موج اتهام شدند، اتوود سکوت نکرد و در برابر فشارها عقب‌نشینی نکرد. همین موضع سبب شد برخی او را «فمینیست بد» بنامند؛ لقبی که اتوود با طنز پاسخ داد. او در گفت‌وگو با مارشه گفت: «امروز مردان به گناه نخستین متهم شده‌اند.» جمله‌ای که به‌گفته مارشه نشان‌دهنده جسارت و بی‌پروایی اوست.

به باور مارشه، اتوود توانسته از ضعف‌هایی که نهادهای ادبی گرفتار آن شده‌اند، فاصله بگیرد؛ همان‌طور که قدیسان از کاستی‌های کلیسا دور می‌مانند. او با وجود شهرت و جایگاه جهانی‌اش، نقش‌بازی نمی‌کند و همان چیزی را که می‌پند، بیان می‌کند. در ادامهٔ این گفت‌وگو، اتوود دربارهٔ ملی‌گرایی جدید نیز هشدار داده و گفته نباید ضدآمریکایی بودن را با طرداری از کانادا اشتباه گرفت چراکه دست‌کم نیمی از مردم آمریکا در این قاره در کنار کانادا برای دموکراسی تلاش می‌کنند. مارشه در پایان روایت خود می‌نویسد، وقتی اتوود چمن‌زار سوخته خانه‌اش را دید، پیشنهاد کرد آن را به باغچه‌ای از گل‌ها و گیاهان بومی تبدیل کند که برای پروانه‌ها مفیدتر خواهد بود. او تأکید کرده که همانند بسیاری از توصیه‌های اتوود، این بار هم احتمالاً حق با اوست.

رمانتیک بداقبال

گزارشی از پنج چهرهٔ متفاوت **آلبر کامو**

نقد تند «انسان طاعی» به قلم سارتر به‌طور علنی و تلخ پایان یافت.

مخالف اعدام

کامو در پایان مقالهٔ «تأملاتی درباره گیتین» (۱۹۵۷) نوشت: «نه در دل انسان‌ها و نه در عرف اجتماعی، صلحی پایدار برقرار نمی‌شود مگر آن‌که مرگ ممنوع شود.» او برای لغو مجازات اعدام مبارزه کرد و علیه احکام مرگ الجزایری‌ها به دست فرانسه در دوران جنگ الجزایر سخن گفت. اقداماتش بعدها الهام‌بخش رابرت بادینتر، وزیر دادگستری فرانسه در ۱۹۸۱ شد تا قانون لغو اعدام را به تصویب برساند.

رمانتیک

کامو با وجود ظاهر خویشتن‌دار، فردی جذاب بود که به تئاتر و رقص عشق می‌ورزید. «تو را دوست دارم همچون رعدی در آسمان، با شدتی دیوانه‌وار که نمی‌توان در آغوش نگه داشت.» این جمله بخشی از نامه‌های عاشقانه اوست که در ۲۰۱۷ منتشر شد. دیگر عشق بزرگش فوتبال بود. در تیم دانشگاه الجزیره بازی می‌کرد و بعدها نوشت: «آنچه را از اخلاق می‌دانم، مدیون فوتبال هستم.» («انسان اول»، ۱۹۹۴)

بداقبال

مرگ ناگهانی کامو در ۴ ژانویهٔ ۱۹۶۰ نمونه‌ای تلخ از همان فلسفهٔ پوچ‌گرایی او بود. پس از جشن سال نو در پروانس، قرار بود همراه همسر و فرزندان‌ش با قطار به پاریس بازگردد اما در لحظهٔ آخر تصمیم گرفت با میشل گالیمار، ناشر خود، با خودرو برود.

خودرو با سرعت ۱۴۵ کیلومتر در ساعت به دو درخت برخورد کرد و کامو در دم جان باخت. در صندوق عقب، دست‌نوشتهٔ نیمه‌تمام «انسان اول» بود و در جیبش بلیت استفاده نشده قطار.

آیا کا. گ. ب کامو را کشت؟

عموماً مرگ آلبر کامو را تصادف تلقی می‌کنند اما جووانی کاتللی، نویسندهٔ ایتالیایی متخصص اروپای شرقی و رمان‌نویس و استاد دانشگاه در کتاب «مرگ کامو» از درجه‌های مختلف تاریخی با شواهد

اینفلونسم

کامو در ۲۹ سالگی این سطور مشهور را نوشت. رمان او به حدود ۷۰ زبان ترجمه شده و پرفروش‌ترین کتاب جیبی فرانسه است. فرانسوا اوزون، کارگردان فرانسوی تازه‌ترین اقتباس سینمایی از آن را ساخته، در حالی که پیش‌تر لوکینو ویسکونتی با بازی مارچلو ماسترویانی، نسخه‌ای اقتباسی از این رمان را سال ۱۹۶۷ ارائه کرده بود. این رمان حکایت اگزیستانسیالیستی مرد جوانی بی‌تفاوت به مرگ مادر، قتل یک عرب و مرگ خودش به‌عنوان مجازات، هنوز الهام‌بخش هالیوود نشده اما روی صحنهٔ تئاتر، در قالب کمیک و حتی مانگای ژاپنی زنده نگه داشته شده است. در شبکه‌های اجتماعی، هشتگ‌هایی چون «*Camus#*» مرتباً استفاده می‌شوند و آثار او الهام‌بخش هنرمندانی چون نیک کیو، تام ویتس، ری‌دیو‌ه و رپرهایی همچون گانل فایه، عبدالملک و اوکسمو پوچینو بوده است.

آزادی‌خواه

کامو در مقالهٔ «انسان طاعی» (۱۹۵۱) نوشت: «من عصبان می‌کنم، پس هستم.» او دربارهٔ بسیاری از مسائل صریح بود اما از احزاب سیاسی سازمان‌یافته فاصله می‌گرفت و به‌ویژه چیزها را نسبت به خطرات تمامیت‌خواهی و دیکتاتوری هشدار می‌داد. رابطهٔ کوتاهش با حزب کمونیست به انزوای او از محافل روشن‌فکری پاریس انجامید. دوستی مشهورش با ژان پل سارتر نیز در ۱۹۵۲ با

شبکه‌خانگی

یک سریال فراجغرافیا

نگاهی به مینی‌سریال **شکارگاه**



محمد تقی‌زاده

منتقد

مینی‌سریال ۹ قسمتی شکارگاه به پایان رسید و یکی از چالش‌های سریال که از قسمت‌های ابتدایی آغاز و در فینال قصه به اوج رسید، بحث ایرانی بودن آن هم‌چنین سندیات اتفاقات و شخصیت‌های آن بود. به بیانی دیگر، این گونه تصویرسازی نیما جاویدی از زنان فیلم این سؤال را نزد برخی مخاطبان سریال ایجاد کرد که آیا اصولاً چنین زنانی در تاریخ وجود داشتند یا فیلمساز با هدف ارج و اهمیت به جایگاه زنان در سریال خود از چنین زنان شجاع و جنگجویی رونمایی کرده است؟

هدف این یادداشت به هیچ‌وجه بحث تاریخی و ارائه مستندات نیست بلکه سعی شده در این نوشتار از نگاهی دیگر به چالش ایرانی و زنانه بودن سریال شکارگاه نگریسته شود تا شاید شبهات مربوط به ساختگی و بومی نبودن آن مرتفع شود.

در سریال شکارگاه و در توضیح اولیه قسمت ابتدایی از «قره‌سوران» یاد شده و توضیحی درباره ارتباط خانواده میرعطا با این افراد داده شده است. قره‌سوران به ترتیب سپاه ژاندارمری و اداره امنیت استانی دودمان صفویان و قاجاریان در دوران صفوی و قاجاری بودند. بیشتر اعضای قره‌سوران در حفاظت و ایمنی جاده‌های اصلی شرکت داشتند.

نخستین ارجاع تاریخی سریال به ارتباط این خانواده با قره‌سوران مربوط می‌شود و در ادامه با شخصیت‌هایی چون خانم شازده و نصیرالدوله مواجه هستیم که ارجاعات مستقیم‌تر

و آشکارتری به یک دوره تاریخی در قاجار داده‌اند. در انتهای سریال نیز بحث انتخاب میان ایران و اجنبی مطرح می‌شود که در نهایت ایران و ناموس ایرانی دست بالا را می‌گیرد و انگلیسی‌ها از رسیدن به جواهرات ایرانی ناکام می‌مانند اما این ارجاعات با اینکه اشارات مستقیمی به هویت و ماهیت ایرانی دارند و حتی کدهای تاریخی دادند، باعث نمی‌شوند سریال شکارگاه یک سریال تمام ایرانی و بومی محسوب شود.

با وجود ارجاعات تاریخی و ایرانی شکارگاه، این سریال بیش از





سینمای ایران

خلف وعده سازمان سینمایی

خانه سینما از حضور در کمیته انتخاب نماینده ایران برای اسکار کناره‌گیری کرد



کلاویژ نادری

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

خانه سینما از حضور در برگزاری جلسات کمیته انتخاب فیلم ایرانی برای معرفی به اسکار کناره‌گیری کرد. در شرایطی که کمتر از یک ماه تا پایان مهلت قانونی (نهم مهر ماه) برای معرفی فیلم به آکادمی اسکار باقی مانده و پیش‌تر گفته شده بود که امسال خانه سینما، نقش پررنگی در کمیته اسکار دارد این نهاد صنفی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که نقشی در برگزاری جلسه‌های مربوط به این کمیته نخواهد داشت. در این اطلاعیه با عنوان «توضیح خانه سینما درخصوص تشکیل کمیته انتخاب فیلم جایزه اسکار ۲۰۲۶» که روابط عمومی خانه سینما در اختیار رسانه‌ها قرار داده، آمده است: «در جریان دعوت و تشکیل کمیته انتخاب فیلم ایرانی جهت معرفی به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی (مراسم اسکار ۲۰۲۶) به نظر می‌رسید بر مبنای مذاکرات با رویکرد جدیدی از مدیران سازمان سینمایی مواجه شویم لیکن در ادامه، ایشان همان سازوکار پیشین را که از نظر خانه سینما برای شرایط فعلی مناسب نیست در پیش گرفته‌اند. لذا بر مبنای تصمیم هیأت رئیسه اعلام می‌داریم، خانه سینما نقشی در برگزاری جلسات کمیته یاد شده، نخواهد داشت. از طرفی واقفیم که این تصمیم می‌تواند، شرایط نامطلوبی را برای تشکیل کمیته یادشده- که به دلیل اعلام اسامی‌شان به آکادمی امکان تغییر ندارد- به‌وجود آورد که در نتیجه، لطمه اصلی متوجه امکان حضور یکی از آثار همکارانمان خواهد بود. از این‌رو از آن دسته از اعضای کمیته یاد شده که به واسطه تماس هیأت رئیسه خانه سینما عضویت در کمیته را پذیرفتند، درخواست می‌کنیم همکاری لازم را با نهاد برگزارکننده (بنیاد سینمایی فارابی) مبذول فرمایند. با آرزوی موفقیت برای فیلمی که از ایران عزیز به آکادمی معرفی خواهد شد».

این توضیحات در حالی اعلام شده که راند فریدزاده - رئیس سازمان سینمایی - در گفت‌وگویی با ایسنا گفته است: «نمایندگان صنف سینمایی بهترین افراد برای بررسی فیلم‌ها هستند تا تصمیم‌گیری شود که چه فیلمی می‌تواند نماینده سینمای ایران در اسکار باشد. آنچه از طرف فارابی انجام می‌شود طی کردن مراحل اداری و نظارت بر اجرای قواعد و مقررات است و همچنین نهادی است که مورد تأیید آکادمی است و طی سالیان متمادی فعالیت داشته؛ اگر قرار باشد این مسئولیت به خانه سینما منتقل شود باید یک روال اداری در ارتباط با آکادمی صورت گیرد اما فکر نمی‌کنم اینکه ایملیل نهایی را برای معرفی فیلم چه کسی می‌زند، اهمیت چندانی داشته باشد چون انتخاب فیلم با مشارکت صنف سینمایی انجام می‌شود و مهم همین است که این فرایند چگونه با مشارکت صنف و نهادهای سینمایی اتفاق بیفتد تا درست‌ترین گزینه به عنوان نماینده معرفی شود.»

با این اوصاف اطلاعیه خانه سینما در شرایطی منتشر شد که ۲۱ مرداد ماه به طور رسمی اعلام شده بود، کمیته انتخاب فیلم برای اسکار پس از چند سال به خانه سینما بازگشته و تعداد نمایندگان خانه سینما در این کمیته در اکثریت است. اما انگار همه چیز آن‌طور که باید پیش نرفت و نمایندگان خانه سینما مثل هر سال و برخلاف آنچه انتشار یافته بود، این بار هم در اکثریت نبودند و سازمان سینمایی نتوانست حضور حداکثری این نهاد صنفی در انتخاب نماینده ایران در اسکار را بپذیرد. رئیس سازمان سینمایی تأکید کرده که انتخاب نماینده ایران در اسکار باید بسا حضور نمایندگان



آمریکایی بود که گفت: «نتیجه‌ای هولناک است اما باید گفت پس از هضم شواهدی که کاتللی ارائه می‌دهد، سخت است که حق را به او ندهیم. بنابراین، این «سانحه رانندگی» حالا باید در زمره «قتل‌های سیاسی» طبقه‌بندی شود. صدای آلبر کامو در ۴۶ سالگی خفه شده است.» با این حال، توجه به این نکته مهم است که نظریه کاتللی فاقد شواهد اساسی است و تا حد زیادی به عنوان حدس و گمان تلقی می‌شود.

بیگانه جدید

فیلم جدید «بیگانه» ساخته فرانسوا اوزون و بر اساس رمان معروف آلبر کامو، امسال یکی از فیلم‌های بخش مسابقه اصلی جشنواره ونیز است که با بازی پنجمان ووازن، ربکا ماردو، پیر لوتن، دنی لاوان و سوان آرلو همراه است. فرانسوا اوزون درباره ساخت فیلم «بیگانه» می‌گوید: «ایده اقتباس از یکی از مشهورترین رمان‌های ادبیات جهان، شما را دچار اضطراب و تردید می‌کند. تا پیش از این، تنها آثاری را اقتباس کرده بودم که کمتر شناخته شده و کمتر مورد توجه بودند. اقتباس از یک شاهکار که همه آن را خوانده‌اند و هر خواننده‌ای، نسخه‌ای از آن را در ذهن خود صحنه‌آرایی کرده است، چالشی عظیم بود. اما اقل‌قدم به کتاب پیش از تردیدهایم بود؛ بنابراین با نوعی سبک‌بالی خودم را در آن انداختم و خیلی زود دریافتم که فرورفتن در «بیگانه»، راهی برای پیوند دوباره با بخشی فراموش شده از تاریخ شخصی من است. پدر بزرگ مادری‌ام در شهر بونه (که اکنون غنابه در الجزایر است) بازپرس بود و در سال ۱۹۵۶ از یک حمله جان‌سالم به در برد؛ حادثه‌ای که بازگشت خانواده‌ام به فرانسه را سرعت بخشید. هنگام کار روی اسناد و آرشوها و ملاقات با مورخان و شاهدان آن دوران، فهمیدم تا چه اندازه خانواده‌های فرانسوی هر یک به نوعی با الجزایر پیوند دارند و این‌که سکوتی سنگین هنوز اغلب بر تاریخ مشترک ما سایه می‌افکند.»

و مستندات متنوع تلاش می‌کند تا حلقه مفقوده مرگ مشکوک آلبر کامو را تجزیه و تحلیل کند. جووانی کاتللی اولین بار نظر خود را در سال ۲۰۱۱ مطرح کرد که در دفتر خاطرات شاعر و مترجم مشهور چک، یان زابرانا، نکاتی را کشف کرده که نشان می‌داد، مرگ کامو تصادفی نبوده است. کاتللی پس از آن تحقیقات خود را در کتابی با عنوان «مرگ کامو» گسترش داد. او با مطرح کردن مرگ کامو به‌عنوان یک فرضیه، نقش سیاست را در این زمینه مورد ارزیابی قرار می‌دهد و به ابهامات حادثه تصادف کامو می‌پردازد. بررسی‌های او نشان می‌دهد نه‌تنها این حادثه، یک اتفاق ناگوار صرف نبوده بلکه اقدامی عمدی بوده و به دست کا.گ.ب سازمان‌دهی شده است. جووانی کاتللی چنین استنباط می‌کند که انتقادات صریح آلبر کامو از تمامیت‌خواهی شوروی، او را به یک هدف تبدیل کرده بود. کاتللی پس از سال‌ها تحقیق دقیق نشان می‌دهد که چرا سران اتحاد جماهیر شوروی سرسختانه در پی حذف آلبر کامو بوده‌اند. او پرسش‌های مهمی مطرح می‌کند که ممکن است پس از سال‌ها معمای مرگ نویسنده شهر قرن بیستم را روشن کند: مأموران کاگب چطور از بازگشت کامو و هم‌سفرهایش باخبر شدند؟ تلفن کامو به منشی‌اش شنود شده بود یا ماریا کاسارس، معشوقه ابدی‌اش، با بی‌احتیاطی مرگ او را رقم زد؟ آیا کامو از مرگ خود خبر داشت که در نامه‌اش به کاسارس قول داد شب چهارم ژانویه سر وقت به شام برسد، «مگر این‌که در جاده اتفاقی بیفتد؟»

کاتللی پای برخی چهره‌های مشهور را نیز به میان می‌کشد و از آن‌ها به‌عنوان کسانی یاد می‌کند که پیش و حین و پس از مرگ کامو به ایفای نقش پرداختند. علاوه بر این، کاتللی در نسخه فرانسوی کتاب، پیوستی گنجینه که روایت چهره‌های سرشناسی همچون ژاک ورژس را از مرگ کامو نقل کرده است. مرگ کامو که در فرانسه، آرژانتین و ایتالیا منتشر شد بحث‌های بسیاری را در رسانه‌های مختلف به راه انداخت و چهره‌های سرشناسی به تمجید آن پرداختند. یکی از آن‌ها پل استر، نویسنده فقید

آنکه به یک مکان و زمان مشخص و جغرافیای بومی ایران ارتباط داشته باشد به انسان و هویت انسانی ربط پیدا می‌کند به طوری که یک مخاطب غیرایرانی نیز با توضیحات مختصر می‌تواند، دل به قصه و شخصیت‌های آن ببندد و استراتژی سازندگان به‌گونه‌ای نبوده که مخاطب آن محدود به جغرافیای خاصی از جهان باشد و سریالی درباره نوع بشر است.

در نظر بگیرید مضمون «طعم» به عنوان یکی از زیرلایه‌های مهم و پیوسته شکارگاه محدود به جغرافیای خاصی نیست و همه مردم جهان در مواجهه با یک شیء با ارزش و جواهرات سلطنتی به وسوسه افتاده و حتی طبیعی است که برای رسیدن به آن، جان هم‌نوع خود را بگیرد تا به پول به عنوان خاستگاه ازلی ابدی بشر دست پیدا کند.

عشق و خانواده مضمون دیگر مورد توجه سازندگان شکارگاه بوده که آن هم در بحث جغرافیای خاصی نمی‌گنجد و موضوعی لامکان و لازمان است. عشق میان سیمین و بهادر (عیسی)، سیمین و مفتش، گلاب و بهادر (عیسی)، پری و

یحیی، میرعطا و ملک‌خاتون، منصور و همسرش و شازده و نصیرالدوله از جمله روابطی است که بخش مهمی از درام شکارگاه را تشکیل داده و تأکید زیادی نیز روی آن شده است به نحوی که بیراه نیست اگر تم داستانی شکارگاه را بیش از آنکه درباره سرنوشت جواهرات بدانیم به گرگشایی این روابط مربوط بدانیم! در نهایت باید به ساختار تریلر و معمّاگونه شکارگاه اشاره کرد که از محبوب‌ترین گونه‌های سریال‌سازی در دنیا محسوب می‌شود. روابط شخصیت‌ها و کاشت و برداشت‌های متعددی که درخصوص توطئه جواهرات و ارتباط شخصیت‌ها به وجود می‌آید دائماً مخاطب را همراه و تعلیق پیدا کرده و سرنوشت اتفاقات را شکل می‌دهد. از این جهت نیز سریال شکارگاه، عنوان فراجغرافیایی و جهانی پیدا می‌کند و می‌توان آن را برای همه مخاطبان و سریال‌بین‌ها نمایش داد.

به عوامل ذکر شده موارد دیگری را نیز می‌توان اشاره کرد که خارج از محتوای انسانی سریال قرار می‌گیرد اما در کلاس جهانی، قابل طرح و بحث است. برای مثال اجرای بازیگران شکارگاه در تمامی جوه جزو بهترین اجراها محسوب می‌شود. از رضا فیاضی و نقش کوتاهش تا الهام پاونژاد و بازگشت باشکوهش به سریال تا اعتبار پرویز پرستویی به نقش میرعطا بگیرد تا حضور همیشه همراه‌کننده مهدی حسینی‌نیا، بازی همواره جذاب و کمتر دیده شده سسولگ خلیق و معرفی استعدادهای جوانی چون الهام نامی و نیک‌آفرید سماواتی در نقش سیمین و پری جملگی باعث شده که در بخش بازیگری با یک سطح بالای بازیگری مواجه شویم. در انتها باید به طراحی صحنه و لباس، فیلم‌برداری و سینماتوگرافی، تدوین و جوه فنی سریال شکارگاه اشاره کرد که سطح مجموعه را بالاتر از اکثر سریال‌های نمایش خانگی ارتقا داده است. و جوه بصری شکارگاه آن‌قدر جذاب و تماشایی از آب درآمده و فیلم‌برداری و طراحی‌ها آن‌قدر با وسواس انجام شده که مشاهده عکس‌های سریال به مثابه یک حظ بصری محسوب می‌شود که گاهی در تماشای فریم‌ها با سرعت زیاد و هنگام دیدن سریال قابل شناسایی و ادراک نیست و تنها تمرکز و فوکوس روی این وجه می‌تواند، ارزش‌های بصری سریال شکارگاه را از یک سریال بومی و داخلی به ابعاد جهانی ارتقا دهد.



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

رشد آخر هفته‌ای

بازار سهام
چرا این قدر غیرقابل پیش‌بینی شده است؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران در آخرین روز معاملاتی هفته با رشد شاخص‌های سهامی همراه شد و بازدهی این بازار در مقیاس هفتگی به ۳/۸ درصد رسید. این در حالی است که دلار آزاد، که معاملات شب گذشته را در سطح ۱۰۳ هزار و ۷۵۰ تومان به پایان رسانده بود، روز گذشته در کانال ۱۰۲ هزار و ۹۰۰ تومان بازگشایی شد و بیشتر نوسانات اسکناس آمریکایی در پله‌های ابتدایی کانال ۱۰۳ هزار تومان صورت گرفت. در بازار فیزیکی طلا و سکه نیز هر گرم طلای ۱۸ عیار در کانال ۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان معامله شد و سکه در کانال ۹۳ میلیون تومان میان خریداران و فروشندگان دست به دست شد.

در جریان معاملات روز گذشته بورس تهران، هر سه نمابر بازار سرمایه صعودی شدند. دماسنج اصلی تالار شیشه‌ای با افزایش ۱/۸۷ درصدی (معادل ۴۶ هزار واحد) کار خود را در سطح ۲ میلیون و ۵۲۳ هزار واحد به پایان برد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۱/۰۶ درصدی به سطح ۷۷۳ هزار واحد رسید. در هفته دوم شهریور ماه، نمابر اصلی بازار سهام توانست دو کانال مهم را بازپس گیرد: روز یک‌شنبه کانال ۲/۴ میلیون واحد و روز گذشته سطح حساس ۲/۵ میلیون واحد توسط دماسنج اصلی بورس تهران فتح شد. ارزش معاملات خرد در آخرین روز معاملاتی هفته به ۵ هزار و ۴۳۶ میلیارد تومان رسید که از این میزان ۶۴۲ میلیارد تومان ورود پول از سوی حقیقی‌ها به بازار سرمایه بود.

تداوم روند مثبت سهام در بورس تهران ضروری است زیرا اگر بی‌ثباتی بازار ادامه یابد به مثابه مشوقی برای سرمایه‌گذارانی عمل می‌کند که از بازار سهام فرار کرده و به سمت بازارهای سفته‌بازانه مانند ارز و طلا روی آورده‌اند. سرمایه‌گذارانی که به امید اصلاح سیاست‌های اقتصادی در بازار سهام باقی مانده‌اند به تدریج ناامید شده و به جرگه فراری‌ها می‌پیوندند.

اقتصاد تورمی یک پدیده مهم به نام «سرمایه‌گذاران توهمی» شکل می‌دهد. در چنین اقتصادی، نیازی به تحلیل‌های عمیق یا سناریوسازی پیچیده نیست. کافی است با اطمینان و صدای بلند درباره آینده دارایی‌های دمدستی مانند ارز، طلا یا سهام صحبت کنید تا به احتمال زیاد برنده شوید. تورم، به طور تصادفی، شما را در مقطعی نه‌چندان دور به سود می‌رساند. کسی هم پیگیر نمی‌شود که آیا پیش‌بینی شما مثلاً بر اساس احتمال وقوع جنگ در تایوان و توصیه به خرید نقره بوده است. تورم قیمت نقره را بالا می‌برد و شما به پیش‌بینی خود افتخار می‌کنید. دلار ۷ رقیعی نیز چه در گفت‌وگوهای روزمره مردم در تاکسی و چه در اظهارات اینفلوئنسرهای شبکه‌های اجتماعی شنیده می‌شود. اما کسی به تحلیل‌های پشت این پیش‌بینی‌ها کاری ندارد. همه چیز شبیه یک داستان تکراری است: تورم برقرار شده، سیاست‌گذار یا بی‌عمل مانده یا با تأخیر اقدامی انجام داده و در نتیجه، پیشگو برنده و متوهم می‌شود. آیا او بهترین تصمیم را گرفته بود؟ آیا بالاترین بازدهی را از میان گزینه‌های موجود کسب کرده بود؟ این موضوع اهمیتی ندارد. مهم این است که به قول جان مینارد کینز، اقتصاددان مشهور دچار «توهم پولی» شده‌ایم. اینکه سرمایه‌مان ۵۰ درصد، ۴۰ درصد یا ۳۰ درصد بازده داشته چندان مهم نیست؛ اصل ماجرا این است که سرمایه‌مان به صورت اسمی بزرگ‌تر شده و این توهم «آقا یا خانم پیشگو» را برپایمان به ارمغان آورده است.

سیاست‌گذار نیز گویی ناخواسته در زمین سفته‌بازان و توهم‌زایان بازی می‌کند. برهم زدن این زمین بازی، فرصت محدودی دارد که سیاست‌گذار باید از آن استفاده کند. هرچند همه چیز در اختیار سیاست‌گذار اقتصادی نیست اما تجربه‌های گذشته مانند دوران پس از خروج ترامپ از برجام در سال‌های ۹۷ و ۹۸ نشان می‌دهد که اقداماتی نظیر راه‌اندازی بازار ثانویه، حرکت به سمت ارز تک‌نرخ و استفاده از حراج هلدنی توانست دلار که تا نزدیکی ۲۰ هزار تومان بالا رفته بود را به نصف قیمت کاهش دهد. حراج هلدنی همان بازی است که باید برای کنترل نرخ ارز به کار گرفته شود. به جای اینکه سیاست‌گذار برای مهار ارز دنباله‌رو بازار از پایین باشد باید نرخ‌ها را با بالا به پایین هدایت کند. برای مهار اسب وحشی ارز نباید از دمش آن را گرفت زیرا هر بار که دست به دمش می‌رسد، لگدی نصیبان می‌شود و اسب جلوتر می‌رود.

اشتباه بزرگ ترامپ

هند چگونه رفیق چین شد؟

مهتا معرفت

مترجم

تجربه تحقیر، اثبات دیدگاه و قرار گرفتن در معرض آزمون‌های دشوار آن هم به‌طور همزمان امری عادی نیست. اما این سرنوشتی است که هند در این روزها گرفتار آن است. رئیس‌جمهور دونالد ترامپ با استقبال از پاکستان پس از جنگ آن با هند در ماه مه رشته‌های ۲۵ ساله دیپلماسی را پاره کرد و اکنون هم با تعرفه‌هایی که بیشتر از تعرفه‌های چین هستند، هند را مجازات می‌کند. او حتماً به این فکر نمی‌کند که پرجمعیت‌ترین کشور و پنجمین اقتصاد بزرگ دنیا چه واکنشی نشان خواهد داد.

نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند به تازگی مسیری را برای خلق ملتی قدرتمند و متکی به خود تدوین کرد. او قرار است پس از یک رویارویی نظامی تلخ ۴ ساله با چین در هیمالیا با ششی جین پینگ دیدار کند. اقدام آمریکا برای به انزوا کشاندن هند، اشتباهی بزرگ است اما برای هند یک فرصت تلقی می‌شود و آزمونی برای کشوری است که ادعا می‌کند به زودی یک ابرقدرت خواهد شد.

تحقیر هند از سوی ترامپ به دو روش انجام می‌شود. رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۷ آگوست خرید نفت روسیه از سوی هند را محکوم کرد سپس ۲۵ درصد تعرفه مازاد علاوه بر ۲۵ درصد تعرفه موجود بر واردات کالا از هند را به اجرا گذاشت. خرید نفت از روسیه اقدام پسندیده‌ای نیست اما از آنجا که هند سقف قیمتی تعیین شده به وسیله غرب را رعایت می‌کند، محصولات نفتی پالایشگاهی را به اروپا می‌فرستد و بسیاری از دیگر نقاط جهان از جمله چین هم خریدار نفت روسیه هستند. اعمال تعرفه مازاد این تصور را ایجاد می‌کند که هند برای یک مجازات ویژه تعیین شده است.

جنبه دیگر، به علاقه‌مندی آقای ترامپ به پاکستان مربوط می‌شود. پس از یک حمله تروریستی در هند که آقای مودی پاکستان را مسئول آن دانست، نزاعی ۴ روزه میان دو رقیب در ماه مه آغاز شد که بیش از ۱۰۰ هوایمای جنگنده در آن مشارکت داشتند. ترس از بروز یک رویارویی هسته‌ای بالا گرفت. با این حال، امروز آقای ترامپ به دنبال انعقاد قراردادهایی در حوزه رمز پول و معادن با پاکستان است. او در کاخ سفید با ژنرال عاصم منیر، فرمانده تندرو ارتش و حکمران عملی پاکستان که ترامپ را شایسته، جایزه صلح نوبل می‌داند بر سر میز شام نشست. آمریکا با شکستن موضع

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

آینده‌بینی

چرا باید کتاب هنر پیش‌بینی را خواند؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

در کافه‌ای قدیمی و شلوغ در تهران نشسته‌ای، جایی که بوی قلیان و آبگوشت در هم آمیخته. پشت میز کناری، دو نفر درباره آینده اقتصاد ایران بحث می‌کنند. یکی با اطمینان می‌گوید: «تا چند ماه دیگه دلار حتماً به ۱۵۰ هزار تومن می‌رسه.» دیگری با تردید سر تکان می‌دهد و می‌پرسد: «از کجا این قدر مطمئنی؟» بحث بالا می‌گیرد و صداها بلندتر می‌شود. تو که تازه کتاب «هنر پیش‌بینی» را خوانده‌ای، لیخندی می‌زنی و به یاد حرف فیلیپ تلاک می‌افتی: «مطمئن‌ترین آدم‌ها معمولاً بدترین پیش‌بینی‌ها رو می‌کنن.» به ذهنت می‌رسد اگر این دو نفر کتاب را خوانده بودند شاید به جای پیش‌گویی‌های قاطع، شروع می‌کردند به بررسی شواهد، وزن دادن به احتمالات و حتی پذیرش اینکه ممکن است، اشتباه کنند.

طولانی‌مدتش پیشنهاد میانجی‌گری بر سر موضوع کشمیر را ارائه داد؛ امری که از نظر هند یک تابو به شمار می‌آید. ناتوانی آمریکا در حمایت از هند در مسائل امنیتی اصلی و تصمیم آن برای مجازات این کشور، اعتماد مردم هند را از بین برد. روسای‌جمهور آمریکا از سال ۲۰۰۴ از هند به‌عنوان یک قدرت دموکراتیک روبه رشد و مانعی بر سر راه تسلط چین بر آسیا خشنود بودند. اقتصاد چهار تریلیون دلاری و بازار بورس پنج تریلیون دلاری آن بسیار بزرگ‌تر از پاکستانی است که با بی‌ثباتی، بحران بدهی، تروریسم و وابستگی به چین دست‌وپنجه نرم می‌کند. هند می‌تواند، هدفی بزرگ در جهت حفظ منافع آمریکایی باشد که از متحدان ناتو در اروپا دوری می‌کند.

این امر عامل بروز احساس دوم در میان مردم هند بود: اینکه حق با آنان است. هند از زمان استقلال در سال ۱۹۴۷ از هرگونه اتحاد دوری می‌کند، هرچند رویکردی که به کار می‌برد



از «غیرهمسویی» به «چندسوی‌نگری» تغییر کرده است. این کشور برای برخی تسلیحات به روسیه و برای برخی دیگر به اروپا، اسرائیل و آمریکا روی می‌آورد. چین نهادهای لازم را برای تولید را تامین می‌کند و غرب فناوری و بازارها را. اما در سال ۲۰۲۰ و زمانی که روابط هند و چین به خاطر منازعه مرزی در هیمالیا به تیرگی گرایید، برخی سیاستمداران واشنگتن امیدوار بودند که هند به سمت نوعی اتحاد با آمریکا پیش برود. دو کشور همکاری‌های اطلاعاتی را آغاز کردند و تمرینات نظامی را با مشارکت ژاپن و استرالیا انجام دادند. این امر به انعقاد یک پیمان راهبردی در زمینه روابط نزدیک‌تر دفاعی در سال ۲۰۲۴ انجامید.

وقایع چند ماه گذشته به آن دسته از مردم هند که در مورد هم‌پیمانی جهانی بدبین بودند ثابت کرد که دیدگاه درستی دارند. آقای مودی به مدت ۱۱ سال برای ساخت ملت، مدرنیزسازی و متمرکزسازی تلاش کرد. این کار نتایج منفی هم داشت. برای مثال جنبش صنعتی‌سازی محصولی نداشت و نتوانست مشاغلی را بیافریند که هند به آنها نیاز دارد. نظام آموزشی هنوز ضعیف است و آقای مودی اغلب به سمت ایدئولوژی برتری هندوها کشیده می‌شود.

اما موفقیت‌هایی هم وجود دارد. جاده‌ها و فرودگاه‌های جدید، سکوهای پرداخت دیجیتال و نظام مالیاتی به پیدایش یک بازار واحد بزرگ کمک کرد. نظام مالی قدرتمندتر، بازارهای عمیق سرمایه بر مبنای پس‌اندازهای داخلی، حساب جاری نسبتاً متوازن و بانک‌های محتاط به وجود آمدند. اکنون احتمال کمتری وجود دارد که هند به فرآیند «چین به اضافه یک» بپیوندد و زنجیره‌های عرضه را جذب کند اما اقداماتش به آن کمک کرد که آسان‌تر بتواند تکانه‌های تجاری را پشت سر بگذارد. انتظار می‌رود که رشد اقتصادی بالای ۶ درصد بماند و هند به پویاترین اقتصاد بزرگ جهان- طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول- به سومین اقتصاد بزرگ جهانی در سال ۲۰۲۸ تبدیل شود.

خطر آنجاست که رفتار پرخاشگرانه آمریکا می‌تواند، احساس خودمختاری و غرب‌ستیزی را از نو زنده کند. آقای مودی در سخنرانی روز استقلال در ۱۵ آگوست بر اتکای به‌نفس بیشتر تأکید کرد. اما اگر هند بخواهد بیشتر به داخل توجه کند به صنعت خدماتش آسیب خواهد زد. صنعتی که تقریباً به اندازه مجموع کل صادرات دیگر بخش‌ها صادرات دارد. بنگاه‌های خدماتی آن حداقل نیمی از محصولاتشان را به مشتریان آمریکایی می‌فروشنند و بنگاه‌های بزرگ و ارزشمند مراکزی در هند دارند. هند دومین بازار بزرگ اوپن‌ای‌ای از نظر تعداد کاربران

است. همچنین هند برای سرعت‌بخشی به فرآیند صنعتی شدن به واردات ماشین‌آلات و نهادهای بیشتری از چین نیاز دارد. بهتر است هند برای کاهش آسیب‌ها تلاش کند. این کشور باید امتیازهایی منطقی بدهد مثلاً تعرفه‌ها را پایین آورد، نفت کمتری از روسیه بگیرد و گاز طبیعی بیشتری از آمریکا بخرد. آمریکا و هند هنوز پیوندهای محکمی دارند که حداقل می‌توان به جامعه بزرگ مهاجران هندی در آمریکا اشاره کرد. آقای مودی حق دارد به چین برود. تقویت بخش تولید هند در دهه‌های آتی به پیوندهای تجاری نزدیک‌تر همچنین فناوری آمریکایی نیاز دارد.

منبع: اکونومیست

در پیش‌بینی موفق‌ترند.

دن گاردنر با قلم روان و داستان‌گویناهش، داده‌های پیچیده تلاک را به زبانی ساده و جذاب تبدیل کرده، طوری که خواننده نه‌تنها با علم پیش‌بینی آشنا می‌شود بلکه به تفکر خود درباره تصمیم‌گیری و قضاوت عمیق‌تر نگاه می‌کند. این کتاب با استفاده از دهه‌ها تحقیق و نتایج یک تورنمنت عظیم پیش‌بینی با بودجه دولتی، شاهکاری در زمینه پیش‌بینی ارائه می‌دهد. این پروژه شامل ده‌ها هزار نفر از مردم عادی بود- از جمله یک فیلم‌ساز بروکلینی، یک کوله‌کش بازنشسته و یک رقصنده پیشین سالن رقص- که پیش‌بینی وقایع جهانی را بر عهده گرفتند. برخی از داوطلبان به طرز حیرت‌انگیزی موفق بودند. آنها سایر معیارها، رقبا و بازارهای پیش‌بینی را شکست دادند و حتی با دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده، قضاوت جمعی تحلیل‌گران اطلاعاتی را پشت سر گذاشتند.

آنها «ابرپیش‌بین‌ها» بودند.

این کتاب به ما یادآوری می‌کند که آینده، هرچند نامطمئن، با ابزارهای درست و ذهنیت مناسب تا حدی قابل پیش‌بینی است.

احتمال عفو تلو

سخنگوی قوه قضاییه:

به بابک زنجانی بابت اظهاراتش تذکر داده شد

گروه اجتماعی: در سی‌ودومین نشست خبری سخنگوی قوه قضاییه، اصغر جهانگیر، موضوعات گوناگونی از پرونده‌های مفاسد اقتصادی تا وضعیت برخی متهمان مشهور و اقدامات اصلاحی دستگاه قضایی مطرح شد. سخنگوی قوه قضاییه بخش مهمی از سخنان خود را به پرونده بابک زنجانی اختصاص داد. او با بیان اینکه این پرونده یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های مفاسد اقتصادی در ۱۳ سال اخیر است، از روند جدیدی سخن گفت که با ابتکار رئیس قوه قضاییه برای تضمین حقوق ملت اجرا شده است. زنجانی پس از صدور حکم اعدام، اموالی معرفی کرد که کارگروهی متشکل از نمایندگان دستگاه قضایی، دولت و بانک مرکزی اصالت، صحت و ارزش آنها را بررسی کردند و اموال را به داخل کشور آوردند. بخشی از این اموال به بانک مرکزی- به عنوان امین اموال بیت‌المال- تحویل داده شد و بعداً بانک مرکزی رسماً ارزش آنها را تأیید کرد. جهانگیر تأکید کرد که شرکت ملی نفت شاکای اصلی پرونده بوده و بانک مرکزی از ابتدا سمتی نداشته؛ بانک مرکزی تنها پس از تحویل اموال به عنوان نهاد امین بیت‌المال وارد شد.

او گفت که برخلاف ادعاهای مطرح شده، ارزش اموال معرفی شده بیش از بدهی زنجانی است و همه اعضای کارگروه بر این موضوع صحه گذاشته‌اند. سخنگوی قوه قضاییه تصریح کرد که اظهارنظر اخیر بانک مرکزی درباره کمتر بودن ارزش اموال از بدهی «پایه فنی و کارشناسی» ندارد و تنها مرجع

ادامه تیتیر یک

آرزوی محال

در سال‌های گذشته بارها درباره امکان اجرای رایگان در خیابان صحبت شده بود اما این نخستین بار بود که مجوز رسمی برای چنین رویدادی صادر و زمان دقیق آن اعلام می‌شد. شجریان در نشست خبری‌اش گفت که سال‌هاست به اجرای خیابانی فکر می‌کند و «می‌خواهد برای مردم بایستد و بخواند». او تأکید کرد که این برنامه به هیچ سازمان یا نهادی وابسته نیست. سحر فروزان، مدیر برنامه‌های او، توضیح داد که مجوز اجرای این کنسرت بعد از ماه‌ها پیگیری به‌دست آمده و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون هنری (نادره رضایی) قول پیگیری و همکاری داده‌اند. به گفته او حتی جلسه مشترکی بین وزارت فرهنگ و وزارت کشور برگزار شده که در آن تمام تأییدیه‌های لازم از شورای تأمین، نیروی انتظامی، اورژانس، شهرداری، آتش‌نشانی و سایر سازمان‌ها اخذ شده است. نامه منتشر شده در رسانه‌ها از دبیرخانه شورای امنیت نشان می‌دهد که مجوز این کنسرت در تاریخ ۲۵ تیرماه صادر شده است. بنابراین از منظر گروه برگزارکننده، مجوز قانونی از حداقل ۴۰ روز قبل صادر شده و زمان کافی برای آماده‌سازی وجود داشته است.

ادعای شهرداری: «دو روز مانده مطلع شدیم»

با این حال سخنگوی شهرداری تهران و معاون اجتماعی این نهاد ادعا کردند که تنها دو روز قبل از اجرا از آن مطلع شده‌اند. محمدامین توکلی‌زاده، معاون فرهنگی و اجتماعی شهردار تهران، توضیح داد که پس از اطلاع از برنامه اجرا، هماهنگی‌هایی با شهرداری منطقه ۹ انجام داده اما چند ساعت بعد متوجه شد که باید مصوبه شورای تأمین استانداری تهران برای برگزاری کنسرت دریافت شود. پس از دریافت این مصوبه به دلیل کمبود وقت، شهرداری اعلام کرد که برگزاری کنسرت در میدان آزادی ممکن نیست و پیشنهاد داد که آن را به ورزشگاه آزادی منتقل کنند. توکلی‌زاده همچنین به غفلت وزارت ارشاد در برگزاری جلسات هماهنگی پیش از زمان کنسرت اشاره کرد و پیشنهاد داد که تاریخ اجرا به تأخیر بیفتد اما بهمن بابازاده، روزنامه‌نگار حوزه موسیقی اعلام کرده که شجریان هفته دیگر در ایران نیست و قرار است یک کنسرت خیابانی در دویسی برگزار کند. همزمان برخی کاربران در واکنش به ادعاهای معاون زاکانی نوشتند: «شما اجازه بدهید تجهیزات وارد میدان بشود و کار نصب استیج و صدارداری مورد تأیید هنرمندان انجام بشود، نگران دوستان وزارت ارشاد نباشید».

تناقض با شواهد

ادعای اطلاع دو روزه شهرداری با اسناد منتشر شده توسط برگزارکنندگان و برخی گزارش‌های رسانه‌ای تناقض داشت. در حالی که معاون شهردار می‌گوید شورا سه روز قبل تصمیم‌گیری کرده، رسانه‌های نزدیک به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید

تعیین‌کننده دادگاه است. او هشدار داد که در شرایط کنونی، مسئولان نباید با اظهارات تحریک‌آمیز باعث تشویش اذهان عمومی شوند و اعلام کرد که به رئیس کل بانک مرکزی تذکر قضایی داده شده است تا روند حقوقی مختل نشود. همچنین زنجانی نیز از طریق ضابطان قضایی تذکر گرفت که از اظهارات تحریک‌آمیز خودداری کند. جهانگیر با اشاره به تجربه‌های قبلی گفت که در بسیاری از پرونده‌های مفاسد اقتصادی، متهمان فراری یا خارج از دسترس بودند و رد مال عملیاتی نمی‌شد. به همین دلیل، قوه قضاییه تلاش کرده است با همکاری دولت و سایر نهادها، روشی ایجاد کند تا اجرای حکم عملیاتی و حقوق ملت تضمین شود.

شب‌نم نعمت‌زاده و واقعه اوین

خبر دیگر مربوط به شب‌نم نعمت‌زاده بود. جهانگیر توضیح داد که در دوران جنگ ۱۲ روزه، برای همراهی زندانیان با خانواده‌های خود، تعدادی از آنها به قرار تأمین به مرخصی رفتند. شب‌نم نعمت‌زاده هم ۶ روز مرخصی گرفت اما پس از پایان مرخصی به زندان بازگشت؛ بنابراین حکم جلب او صادر و وثیقه‌اش ضبط و این فرد ممنوع‌الخروج شد.

او همچنین به واقعه حمله به زندان اوین اشاره کرد و آن را نقض آشکار حقوق بین‌الملل دانست. این حمله موجب فرار ۷۶ زندانی شد که پس از بررسی‌ها مشخص شد سه نفر

کردند که همه تأییدیه‌های لازم- از جمله شورای تأمین، نیروی انتظامی، اورژانس، شهرداری و آتش‌نشانی- قبلاً گرفته شده بود. همایون شجریان در پست اینستاگرامی تصریح کرد که دو روز است، تجهیزات‌شان اجازه ورود نگرفته و «جلسات و بررسی‌هایی که این چند روزه انجام شده، کاری است که باید قبل از موافقت با درخواست ما در دو ماه گذشته انجام می‌شد». این جمله نشان می‌دهد، مجوز اولیه دو ماه قبل صادر شده و شاید جلسات هماهنگی با تأخیر برگزار شده است. چنانکه بهمن بابازاده، در ویدیویی که منتشر کرد، نشان داد مأموران شهرداری تهران دو روز قبل از تاریخ اجرا درهای ورودی برج آزادی را جوش داده و مانع ورود تجهیزات برای آماده‌سازی کنسرت شدند. این اقدام نه تنها حاکی از بی‌اطلاعی یا بی‌برنامگی بود بلکه نشان می‌داد که مأموران از برنامه آگاه بودند و به‌صورت فیزیکی، جلوی اجرای آن را گرفته‌اند. اما شهرداری تهران نسبت به این اقدام خود واکنشی نشان نداد. بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی معتقدند که شهرداری از همان ابتدا قصد عدم همکاری داشته و برای توجیه این موضوع بهانه «کمبود زمان» را مطرح کرده است. عده‌ای نیز با اشاره به سرعت بالای آماده‌سازی مراسم‌های مذهبی و سیاسی معتقد بودند که اگر شهرداری می‌خواست، برنامه یک مداح یا تجمع رسمی برگزار کند ظرف ۲۴ ساعت تمام زیرساخت‌ها آماده می‌شد اما برای یک کنسرت موسیقی -آن‌هم با اجرای همایون شجریان- این اتفاق رخ نمی‌دهد. پس از انتشار خبر لغو کنسرت، علیرضا زاکانی، شهردار تهران در حاشیه جلسه هیات دولت مدعی شد که کنسرت لغو نشده و تنها مکان برگزاری آن به استادیوم آزادی تغییر کرده است. او گفت تصمیم به تغییر محل «جمع‌بندی هیات دولت» بوده و شهرداری هم پای کار است. اسما این ادعا در عمل محقق نشد و بابازاده هم خبر داد که دیگر هیچ کنسرتی اجرا نخواهد شد. تا لحظه تنظیم این خبر نیز، نه هیچ‌یک از اعضای هیات دولت و نه حتی مسئولی از مجموعه وزارت ارشاد نسبت به این ادعای زاکانی، واکنشی از خود نشان ندادند.

انفعال و سکوت معاونت هنری

با این حال، معاونت هنری وزارت ارشاد پس از لغو رسمی کنسرت تقریباً سکوت اختیار کرد و واکنش شفافی نسبت به ادعاهای شهرداری نداشت. سکوت این معاونت باعث شد که شهرداری بتواند، مسئولیت را متوجه وزارت ارشاد کند. در اظهارات معاون اجتماعی شهرداری تهران همچنین برخی تحلیلگران، موضوع «بی‌تجربگی مسئولان جدیدمعاونت هنری وزارت ارشاد» مطرح شد. توکلی‌زاده در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر اظهار کرد که سرکار خانم رضایی «باید دست کم یک ماه پیش جلسات هماهنگی با حضور مجریان و دست‌اندرکاران ابعاد مختلف این رویداد را برگزار می‌کردند» و تأخیر در این کار نشان‌دهنده فقدان تجربه در برگزاری رویدادهای میدانی است. این انتقادات در فضای رسانه‌ای واکنش‌های مختلفی برانگیخت. برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی معتقد بودند که معاونت هنری نباید پس از لغو کنسرت سکوت می‌کرد و باید با ارائه مستندات (مانند نامه رسمی دبیرخانه شورای امنیت مورخ ۲۵ تیر ۱۴۰۴) پاسخ شهرداری را بدهد. عدم شفافیت وزارت ارشاد باعث شد که شهرداری بتواند، دلیلی برای بهانه‌تراشی‌های خود داشته باشد.

آب به آسیاب اپوزیسیون خارج‌نشین

در نهایت اینکه این رویداد که به نظر می‌رسید تنها یک برنامه هنری ساده باشد به سرعت به عرصه‌ای برای تقابل سیاسی تبدیل شد. در این میان مواضع دو طیف عمده از مخالفان این کنسرت، یعنی تندرهای داخلی و اپوزیسیون‌های خارجی، باعث شد که این رویداد بیش از آنکه یک جشن موسیقی باشد به ابزاری برای جدال‌های سیاسی و ایدئولوژیک تبدیل شود. علیرضا زاکانی، شهردار تهران با بهانه‌تراشی‌ها و مواضع متناقض خود در ارتباط با لغو این کنسرت و معاون هنری وزارت ارشاد با بی‌برنامگی و سکوت خود عملاً به آتش این بحران افزودند، در حالی که زاکانی و مسئولان شهرداری ادعا کردند که به دلیل کمبود زمان و نداشتن زیرساخت‌های مناسب، برگزاری کنسرت در میدان آزادی ممکن نیست اما اقداماتی مانند جوش دادن درهای ورودی برج آزادی و جلوگیری از ورود تجهیزات، نشان‌دهنده این است که شهرداری نه تنها از ابتدا همکاری نکرده بلکه عملاً مانع برگزاری کنسرت بوده است. در این میان معاونت هنری وزارت ارشاد نیز که مدت‌هاست عملکرد او مورد انتقاد است هم هیچ اقدام عملی برای جلوگیری از لغو این کنسرت انجام نداده است! تندرهای داخلی نیز در جبهه مخالف قرار گرفتند. از جمله نمایندگان چون روانبخش که با کنایه به برگزاری کنسرت در حالی که بحران برق در کشور وجود دارد، این رویداد هنری را بی‌محتوا و نادرست دانست.

این افراد که درک درست‌تری از ابعاد فرهنگی و اجتماعی چنین رویدادی نداشتند با تحقیر این برنامه هنری به دوقطبی‌های کاذب در جامعه دامن زدند. تندی‌هایی که به جای توجه به ابعاد فرهنگی و هنری برنامه، هدفش تلطیف فشارهای اقتصادی و تعدیل بحران‌های اجتماعی بود در نهایت به تقویت فضای منفی علیه هنرمندان و ایجاد شکاف‌های بیشتر در جامعه منتهی شد. اما در این میان، جریان‌های برانداز خارجی نیز برهم زدن این کنسرت را یک موفقیت بزرگ تلقی کردند. آنها که همواره تلاش دارند، تصویر ایران را نزد افکار عمومی جهانسان منفی جلوه دهند با ناراضیاتی از هر گونه نشانه‌های شادابی و نشاط اجتماعی در ایران، تمام تلاش خود را برای ضربه زدن به آنچه «زندگی عادی مردم» در ایران می‌نامند، انجام می‌دهند. حالا این سوال مطرح می‌شود که آیا شهردار تهران در همراهی با تندرهای داخلی عملاً آب به آسیاب همین جریان‌ها ریخته است؟ واقعیت این است که این لغو، هم برای براندازان خارجی که از کوچک‌ترین فرصتی برای تخریب تصویر ایران استفاده می‌کنند و هم برای تندرهای داخلی که حاضرند حتی یک رویداد هنری را به میدان تقابل سیاسی تبدیل کنند، پیروزی بزرگی به شمار می‌رود. زاکانی بسا این اقدام خود عملاً بر خواسته‌های این دو طیف مخالف صحه گذاشته و به آنها امکان داده تا با استفاده از بهانه‌هایی چون کمبود زمان و زیرساخت این رویداد هنری را به شکست بکشانند. در این فضا شهرداری تهران نه تنها به دست‌اندرکاران این رویداد کمک نکرد بلکه حتی با موانع فیزیکی که بر سر راه اجرای آن گذاشت عملاً مسیر را برای نیروهای مخالف هموار کرد. به نظر می‌رسد هدف شهردار تهران از این اقدامات، بیشتر سیاسی و رسانه‌ای بوده است تا فرهنگی. بسا این کار، زاکانی به نوعی به تقویت گفتمان خود در برابر افکار عمومی و ایجاد دوقطبی‌های اجتماعی پرداخته است. در واقع، او با ممانعت از برگزاری این کنسرت به‌طور غیرمستقیم نشان داد که همچنان بر مبنای تمایلات سیاسی و ایدئولوژیک عمل می‌کند و نه بر اساس مصالح عمومی و مطالبات فرهنگی و اجتماعی مردم.

جزو جان‌باختگان بوده‌اند و در نتیجه تعداد متواریان به ۷۳ نفر کاهش یافت. از این تعداد ۵۸ نفر خود را معرفی کرده یا دستگیر شدند و ۱۵ نفر همچنان فراری هستند؛ ۱۴ نفر پرونده مالی و یک نفر پرونده سرقت دارند و برای همه حکم دستگیری صادر شده است.

وضعیت توبه تلو

خبر دیگر مربوط به امیر مقصودلو (تتلو) بود که با اتهامات سنگینی محکوم و در صف اعدام قرار داشت. سخنگوی قوه قضاییه با اشاره به مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی گفت: طبق ماده ۱۱۴ در جرایم موجب حد- به جز قذف و محاربه- اگر متهم پیش از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات حد از او ساقط می‌گردد. حتی اگر جرم با اقرار ثابت شده باشد، دادگاه می‌تواند پس از توبه مرتکب، عفو مجرم را از رهبر درخواست کند. او تأکید کرد این رویه اختصاص به فرد خاص ندارد و برای همه متهمان واجد شرایط قابل اعمال است. جهانگیر گفت که توبه تلو نزد دادگاه احراز شده و موضوع در نهم شهریور به حوزه ریاست قوه قضاییه ارسال شده است؛ اگر توبه پذیرفته شود، درخواست عفو به رهبر ارسال خواهد شد.



شناسایی و برخورد با شبکه جعل اسناد

یکی دیگر از مباحث نشست، بررسی شبکه‌ای بود که با جعل نامه‌های منتسب به دفتر مقام معظم رهبری، رئیس قوه قضاییه و اسناد رسمی، اقدام به کلاهبرداری از عباس ایروانی- یکی از محکومان مفاسد اقتصادی- کرده بود. جهانگیر گفت: این افراد با همکاری یک مؤسسه حقوقی و چند همدست، اسناد جعلی ارائه کرده و حدود ۷۰ میلیارد تومان از آقای ایروانی دریافت کردند.

پس از پیگیری و کشف جعلی بودن مدارک، پرونده‌ای تشکیل شد و دیوان عالی کشور احکام صادره را تأیید کرد؛ متهم ردیف اول به جرم کلاهبرداری شبکه‌ای و ادعای نفوذ به دو سال حبس تعزیری، جزای نقدی ۷۰ میلیارد تومانی و یک میلیارد ریال محکوم شد. متهم ردیف دوم به مشارکت در کلاهبرداری شبکه‌ای و ادعای نفوذ به ۱۷ سال حبس تعزیری، پرداخت ۷۰ میلیارد تومان جزای نقدی و رد مال ۱۲ میلیارد تومانی محکوم شد؛ متهم سوم به ۱۵ سال حبس و جزای نقدی و متهم چهارم بابت جعل نامه‌های مقامات به ۱۲ سال حبس تعزیری محکوم شد. سخنگوی قوه قضاییه تأکید کرد که برخورد قاطع با چنین پرونده‌هایی برای حفظ امنیت روانی جامعه ضروری است.

دانشگاه

ورود ضیاء نبوی به دانشگاه

**یک زندانی سیاسی
در آزمون دکتری جامعه‌شناسی سیاسی قبول شد**



نتایج نهایی آزمون دکتری سال ۱۴۰۲ اعلام شد و ضیاء نبوی، زندانی سیاسی محبوب در زندان اوین در رشته جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تربیت‌مدرس پذیرفته شد. نبوی که پیش از این در آزمون دکتری سال ۱۴۰۱ رتبه برتر را کسب کرده بود به دلیل «ستاردار شدن» از ادامه تحصیل محروم شده بود. اما اسمال، با وجود دشواری‌های متعدد از جمله محدودیت‌های زندان، توانست بار دیگر در این آزمون شرکت کرده و موفق به کسب رتبه دوم کشوری در رشته خود شود.

او در نهایت در پنجمین انتخاب خود و سومین دانشگاه انتخابی‌اش پذیرفته شد. در حال حاضر ضیاء نبوی تنها ۶ ماه از دوران محکومیت خود را در زندان اوین سپری می‌کند. نزدیکان وی امیدوارند که با آغاز سال تحصیلی جدید، شرایط برای حضور او در کلاس‌های درس فراهم شود.

چند روز پیش حسین سیمایی‌صراف، وزیر علوم دولت چهاردهم با اشاره به اینکه تعدادی از دانشجویان با احکام قضایی به زندان رفته‌اند و هنوز در حبس هستند، اعلام کرده بود: «به لحاظ حقوقی، عفو مشروط بر تقاضاست و وزارت علوم از طرف کسی نمی‌تواند، تقاضای عفو بدهد. وظیفه وزارت علوم این است، دستگاه قضایی را مجاب به عفو کند چون دستگاه قضایی مجبور به عفو نیست و باید شرایطی احراز شود. ما در واقع بین دانشجوی گرفتار و مقام قضایی تسهیل‌گر هستیم. فکر نمی‌کنم بیشتر از سه یا چهار نفر در زندان باشند و آنان قبول نمی‌کنند که تقاضای عفو کنند. آنچه که به ما مربوط می‌شود آموزش، امتحانات، کنکور و کلاس رفتن آنان است که انجام می‌دهیم اما عفو در اختیار مراجع قضایی است و آنان به لحاظ حقوقی، محدودیت‌هایی دارند که متقاضی خودش تقاضای عفو کند و حتی وکیل او هم طبق قانون نمی‌تواند تقاضای عفو کند».

